

پیامدهای تورم بر اقلامی همچون مواد غذایی، مسکن و خودرو ملموس است. اما این تورم تأثیرهای بلندمدت و خاموشی نیز بر فرهنگ دارد که نتایج آن ممکن است سال ها بعد آشکار شود. کاهش شدید ارزش پول ملی، تهیه ابتدایی ترین مدل دوربین عکاسی را نیز برای بسیاری از هنرجویان به رؤیا بدل کرده است.

مسعود احمدزاده، یکی از فروشنندگان قدیمی و بنام تجهیزات عکاسی در مشهد، و علی عظیم زاده، مدرس فیلم برداری و عکاسی که مدیریت مجموعه ای برای اجاره تجهیزات تصویربرداری را نیز برعهده دارد، بر این واقعیت تأکید می کنند. به گفته احمدزاده، این گرانی ها باعث شده است بسیاری از علاقه مندان با یک برآورد اولیه، اساسا از ورود به دنیای هنر صرف نظر کنند. آمار ی که عظیم زاده ارائه می دهد نیز گویای وضعیت موجود است؛ از میان ۷۰ هنرجوی او، تنها ۱۰ نفر دوربین شخصی دارند و دیگران فاقد توان خرید آن هستند. گزارش پیش رو نگاهی است به تأثیر تورم بر بازار تجهیزات و لوازم عکاسی و فیلم برداری.

● هنر دارد از بین می رود

مسعود احمدزاده، یکی از مدیران فروشگاه های قدیمی تجهیزات عکاسی و تصویربرداری است، درباره وضعیت این حرفه در ماه های اخیر می گوید؛ از هجدهم و نوزدهم دی ماه که آن وقایع رخ داد، روند نزولی کسب وکار ما آغاز شد، پس از آغاز جنگ، تراکش های ما به شدت کاهش یافت، به گونه ای که شاید در هفته یک تراکش هم نداشتیم. برای نمونه، فروش ما محدود به کالاهای ناچیزی نظیر یک جفت باتری برای ساعت دیواری بود. لوازم عکاسی و این ها فراموش شده بود و همه مردم هم دنبال مایحتاج اولیه بودند. دیگر کسی دنبال هنر و تجهیزات آن نبود. این تأثیر در همه مشاغل بود، تقریبا دو ماه هیچ خبری در کار ما نبود. گفتیم شاید تعطیلات عید تأثیری داشته باشد و کسانی بخواهند بروند سفر و برنامه عکاسی هم داشته باشند، که آن هم کنسل شد. یعنی وضعیت مستقیم و غیرمستقیم تأثیرش را روی کار ما گذاشت.

او سپس به اتفاقی که تأثیری بیشتر از جنگ

در کسب وکارشان داشته، یعنی قطعی اینترنت اشاره می کند؛ با قطع شدن نت، بچه هایی هم که تولید محتوا می کردند کارشان خوابید. یعنی فروش تجهیزات نوری و میکروفون و لوازم تولید محتوا هم خوابید. برای ما تأثیر مخرب قطعی اینترنت خیلی بیشتر از جنگ بود.

او ادامه می دهد؛ اینترنت راه افتاده، کار ما هم یک تکانی خورد، نه اینکه مانند قبل شده باشد، اما تلفن هایمان رنگ بیشتری می خورد و آمده اند نور و وسایل مربوط به تولید محتوا گرفته اند. البته تقریبا خریدی انجام نمی شود و مردم دارند قیمت می گیرند و بررسی می کنند چون منتظرند ببینند تکلیف توافق و جنگ چه می شود. ترسی دارند از ریزش دلار، این است که کسانی که می توانند صبر کنند صبر می کنند. برای درک تأثیر تورم نیازی به آمار و حساب و کتاب نیست، ایرانی ها دارند آن را هر روز با تمام وجود و اعصاب و روانشان حس می کنند. این وضعیت خیلی از خواسته ها و نیازها را غیرقابل دسترسی می کند. به گفته مسعود احمدزاده خرید دوربین دیگر دارد به یک رؤیا و آرزو تبدیل می شود؛ همه عکاسان آرزوهایی دارند که فلان لنز یا دوربین را بخرند. اما این آرزوها هر روز دارد دست نیافتنی تر می شوند. ارزان ترین دوربین بازار الان شده ۸۵ میلیون تومان! حالا تصور کنید حال آن هنرجویی که می خواهد عکاسی را شروع کند و باید یک دوربین ۸۵ میلیون تومانی و یک لپ تاپ تقریبا با همین حدود قیمت بخرد. می تواند؟ تازه لوازم جانبی مورد نیاز را هم که اگر در نظر بگیری در مجموع مبلغ خیلی قابل توجهی می شود. با این درآمد و شرایطی که هست تهیه آن خیلی سخت است. قیلا یک جوری بود که می گفتیم دلاری خرج می کنیم و ریالی در می آوریم، الان بدتر شده و شاید باید بگوییم مثلا دینار کویت خرج می کنیم و ریالی درمی آوریم. یک زمانی می آمدند سه پایه «مانفروتو» (Manfrotto) ایتالیا می گرفتند، این دیگر اصلا رؤیاست. نماینده اش جمع کرد، به من گفت آقای احمدزاده دیگر اصلا کسکی سه پایه نمی خرد. راست هم می گوید، یک سه پایه مانفروتوی خوب الان ۱۰۰ میلیون تومان است. درآوردن این مبلغ خیلی مشکل است.

او ادامه می دهد؛ الان دوربین «آلفا ۴» سونی را می فروشیم ۳۰۰ میلیون تومان. این رقم برای ما سود درصدی که ندارد که مثلا ۱۰ درصد سود بگیریم. اصلا این داستان ها نیست. الان دوربین هرچقدر برای ما دربیاید، بعد از کسر هزینه ها، فقط یک میلیون تومان سود می گیریم. یک میلیون سود در ۳۰۰ میلیون تومان یعنی هیچ.

گزارشی از تأثیر تورم بر بازار تجهیزات و لوازم عکاسی و فیلم برداری

خرید دوربین به فهرست بلند آرزوهایمان اضافه شد

عکس: شوبن اصفانی/شوراز

منتی نداریم، چون باید با فلان سایت هم رقابت کنیم. این است که بالا رفتن قیمت ها از این جهت هم بدتر شده است. هم مشتری کم شده هم میزان سود ما، الان در ماه یک دوربین هم نمی فروشیم.

دوربین و همه تجهیزات اصلی آن وارداتی است و این گرانی مانعی بزرگ است پیش پای بسیاری از کسانی که می خواهند وارد این عرصه شوند و هم کسانی که نیاز دارند دوربینشان را تعویض یا به روز کنند یا ارتقا بدهند. از احمدزاده که عکاس نیز هست، تأثیر این وضعیت در عکاسی به طور کلی و هنر عکاسی به طور خاص می پرسیم که می گوید؛ هر کسی که بخواهد بیاید تو ی این رشته، اگر یک حساب و کتابی بکند منصرف می شود و می رود مثلا رشته انسانی که چیزی لازم نداشته باشد. نه فقط عکاسی، وارد هر رشته ای از هنر که بخواهی بشوی از این داستان ها دارد و لوازم و تجهیزات خودش را می خواهد. این طور که پیش می رود، هنر از بین می رود.

● از ۷۰ هنرجوی عکاسی من، ۱۰ نفر توان خرید دوربین دارند

علی عظیم زاده، که هم فیلم بردار است و هم شرکت کرایه تجهیزات فیلم سازی دارد، درباره تأثیر شرایط جامعه بر کار فیلم سازی می گوید؛ مانند بسیاری از مشاغل دیگر، وضعیت بر کار ما هم تأثیر به شدت زیادی داشت. حتی یک جاهایی کار به صفر و به تعدیل نیرو هم رسید. تا یک مدتی که اصلا مجوز داده نمی شد که فیلمی ساخته شود، مگر یک سری فیلم هایی که در راستا بود و آن ها استثنا هستند و یک عده معدودی می توانند کار کنند. عوامل فیلم مانند بچه های فیلم بردار و تصویربردار و صدا بردار هم با تقریبا هیچ کاری برای انجام نداشتند یا خیلی کم کار کردند. حتی خود من در حال تأسیس آموزشگاه سینمایی بودم و همین داستان ها باعث شد که دست نگه دارم تا دوباره فکر کنم و ببینم با توجه به ابهامی که وجود دارد و شرایطی که نمی دانیم چه در انتظارمان است، چه کار باید بکنم.

او درباره تأثیر تورم بر کار اجاره تجهیزات نیز می گوید؛ بالا رفتن قیمت هم برای شرکت هایی که اجاره می دهند و هم برای فیلم ساز با کسبی که می خواهند از این لوازم استفاده کنند، صدمه دارد. مثلا یک زمانی یک چراغ را می خریدیم ۷ میلیون تومان و به ۱۰۰ هزار تومان اجاره می دادیم، ولی الان یک چراغ را باید ۲۰۰، ۳۰۰ یا

گزارشی از نمایشگاهی متفاوت که این روزها در نگارخانه آسمان برپاست

«گلابی ۵۰» روایتی از اشیاء، نشانه ها و خیال



● خلق آثار هنری با مواد ارگانیک
ذوالفقاری درباره انتخاب مواد استفاده کننده در آثارش گفت: مواد آثارم ارگانیک هستند،

چیزهایی که در طبیعت وجود دارند و مردم به آن ها زیاله می گویند؛ استخوان، سنگ، چوب، حیوانات و ساقه آفتابگردان. آنچه که بیش از همه در گفت وگو با هنرمند جلب توجه می کند، پرهیز او از معناپردازی برای آثارش است. برخلاف بسیاری از هنرمندان که برای هر اثر یا مجموعه، روایت و بیانیه ای مفصل ارائه می کنند، ذوالفقاری در این باره بیان کرد؛ آثارش از یک ایده از پیش طراحی شده آغاز نمی شوند و در این باره توضیح داد؛ فکر نمی کنم و هیچ ایده ای ندارم. فقط مواد و اشیاء را به هم وصل می کنم تا آنچه می خواهم به دست آید. نه پیاپی دارم و نه تمایلی دارم مخاطب چیزی با خود به همراه ببرد. فقط می دانم باید کاری را انجام می دادم. انتخاب متن آغازین نمایشگاه بیش از آنکه یک شوخی یا خطای شناخته شده اینترنت باشد، به نوعی امتناع از ارائه بیانیه ای است که بخواهد مسیر خوانش آثار را برای مخاطب تعیین کند.

● آثارم قابلیت حضور در خارج از کشور را دارند
ذوالفقاری در توضیح این انتخاب نیز گفت: قرار نیست با آثارم دنیایی را تغییر دهم و دیدگاهی را به مردم اضافه یا از آن ها کم کنم. تنها ادعایی که دارم این است که «دژول ترین» هستم؛ یعنی خودم هستم. مخاطبان هم لحظه ای وارد دنیای من شده اند؛ یا مورد پسندشان قرار می گیرد یا دوست ندارند. یکی دیگر از ویژگی های نمایشگاه، انتخاب نام های انگلیسی برای آثار است؛ انتخابی که به گفته هنرمند، به دلیل امکان ارتباط با مخاطبان گسترده تر صورت گرفته است. او افزود؛ بسیاری از آثارم قابلیت حضور در خارج از کشور را دارند و نوشته های کنار آثار نیز به گونه ای انتخاب شده اند که به سادگی قابل ترجمه باشند. از آن گذشته زبان انگلیسی زبان گسترده تری است.

ابراز همدردی اکبر عابدی با مردم جنوب کشور

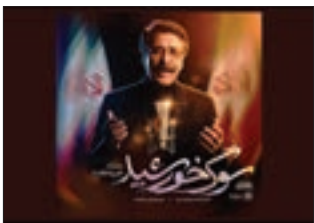


اکبر عابدی با انتشار یک استوری در صفحه اینستاگرامش به بمباران جنوب ایران واکنش نشان داده است.

این بازیگر سرشناس تئاتر، تلویزیون و سینمای کشور در استوری اش نوشته است: «برای مردم نجیب جنوب! شما پاره تن ایرانید. هر نچی که بر دل شما می نشیند، بر قلب ما نیز می نشیند.

قلب همه ایران در کنار شما و برای شما می تپد.»

«سوک خورشید» با صدای علیرضا افتخاری تماشایی شد



نماهنگ «سوک خورشید» به عنوان تازه ترین محصول مشترک مرکز هنری رسانه ای نهضت و سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران پیش روی مخاطبان قرار گرفت. در این قطعه محمدمهدی سیارشاغر، امیرحقیقت آهنگ ساز و علیرضا افتخاری به عنوان خواننده حضور دارند.

«زیارت نامه، با صدای ابودر روحی، «آرزوی کریلا» با صدای میثم مطیعی، «تفنگ پدری» با صدای پرواز همای، «خداحافظ» با صدای رضا نریمانی، «خدا نگهدار رهبر من» با صدای ابودر روحی، «خداحافظ حضرت آقا» با صدای محمدحسین پویانفر، «رفیق» با صدای حسین حقیقی، «وداع» با صدای مصطفی راغب، «انا الیه راجعون» با صدای میثم مطیعی، «باید برخاست» با صدای اشرف التمیمی، «نامه ای به آقا» با صدای مهدی رسولی، «والصبح» با صدای محمد معتمدی، «امام امت» با صدای مهدی رسولی و تعدادی دیگر از جمله محصولاتی هستند که طی روزهای گذشته توسط مرکز هنری رسانه ای نهضت منتشر شده اند.

۲فیلم نبض گیشه سینماهای خراسان رضوی را در دست گرفتند



نمایش دو فیلم «استخر» به کارگردانی سروش صحت و «زننده شور» به کارگردانی کاظم دانشی هم زمان با سراسر کشور در خراسان رضوی با استقبال مخاطبان روبه رو شد و این دو اثر در کمترین از پنج روز عنوان پرفروش ترین فیلم های گیشه استان در تیرماه اسمال را از آن خود کردند.

به گزارش ایرنا، نمایش سراسری این دو فیلم از ۲۴ تیرماه جاری آغاز شد و طی بازه زمانی ۲۴ تا ۲۸ تیرماه، «استخر» با فروش ۸میلیارد و ۵۷۷میلیون ریال و «زننده شور» با فروش ۷میلیارد و ۵۷۱میلیون ریال به ترتیب رتبه های اول و دوم فروش بلیت در خراسان رضوی را به نام خود ثبت کردند. این استقبال در حالی رقم خورده است که سینماهای کشور پس از ایام عزاداری ماه محرم و تعطیلی های مقطعی فعالیت خود را از سر گرفته اند و اکران این آثار در شرایط خاص کشور، جانی دوباره به گیشه سینماهای استان بخشیده است. بر اساس آمار سمفا (سامانه مدیریت فروش و اکران سینما)، ۲۱ سینما با ۹۹ سالن و هزار و ۲۷۸ صندلی در خراسان رضوی وجود دارد که این استان به لحاظ تعداد سالن سینما و میزان فروش بلیت و تعداد مخاطبان بعد از تهران رتبه دوم کشور را دارد.

رسول صدرعالی در نشست «کتاب وسینما؛ آن ها که می خرد آن ها که می فروشند»:

دور افتادن از ادبیات، یکی از آسیب های جدی سینمای ماست



نشست «کتاب و سینما، آن ها که می خرد آن ها که می فروشند» با حضور رسول صدرعاملی کارگردان سینما، حسین سنایور نویسنده حوزه ادبیات داستانی و مرتضی فرشیف کارگردان و کارشناس در خانه سینما برگزار شد. رسول صدرعاملی در ابتدای سخنانش یادآور شد؛ یکی از

آسیب های جدی سینما، دور افتادن از ادبیات است. همواره یک سوء تفاهم جدی میان نویسنده و فیلم ساز وجود داشته است؛ چرا که فیلم ساز روح و رگه ای از یک قصه را می بیند که به سراغ آن می رود. نشست «کتاب و سینما، آن ها که می خرد، آن ها که می فروشند» با حضور رسول صدرعاملی (کارگردان سینما)، حسین سنایور (نویسنده ادبیات داستانی) و مرتضی فرشیف (کارگردان و کارشناس) در خانه سینما برگزار شد. رسول صدرعاملی در ابتدای سخنانش یادآور شد؛ یکی از آسیب های جدی سینمای ما، دوری از ادبیات است. همواره سوء تفاهمی جدی میان نویسنده و فیلم ساز وجود داشته؛ چرا که فیلم ساز اغلب تنها روح و رگه ای از یک قصه را می بیند و به سراغ آن می رود. کارگردان اثر اقتباسی «زیبا صدایم کن» افزود؛ بخشی از موفقیت های این فیلم را مدیون رمان آن می دانم و ارکان درام در «زیبا صدایم کن» به رمان وفادار است. نویسنده نباید انتظار داشته باشد فیلم ساز اثر او را ترجمه کند زیرا سینما زبان و ویژگی های خاص خود را دارد و فیلم ساز باید بر اساس نگاه و دریافت خود از قصه، اثر سینمایی خلق کند.

● فیلم ساز باید بتواند برداشت خود را از یک اثر ادبی ارائه دهد

در ادامه حسین سنایور درباره ارتباط میان نویسنده و فیلم ساز در اقتباس های سینمایی؛ گفت: من معتقدم کارگردان نباید مترجم نویسنده باشد و قرار نیست فیلم ساز، داستان را عین به عین به تصویر بکشد.

نویسنده رمان نیمه غایب» به بیان اینکه معتقد است کتاب کار خودش را انجام می دهد و خیلی در کار فیلم ساز دخالت نمی کند، گفت: کسانی که با سینما آشنایی ندارند، معمولا انتظار دارند فیلم دقیقا شبیه داستان آن ها باشد اما این نگاه درستی به اقتباس نیست. سینما زبان مستقل خود را دارد و فیلم ساز باید بتواند برداشت خود را از یک اثر ادبی ارائه دهد..

این نویسنده یکی دیگر از دلایل کم رنگ بودن اقتباس در سینمای ایران را وضعیت داستان نویسی دانست و گفت؛ رایج نبودن ژانر نویسی در داستان نویسی نیز یکی از دلایل این مسئله است. البته داستان نویسی ما در سال های اخیر بیشتر به سمت ژانر جنایی رفته و این می تواند زمینه متفاوتی برای اقتباس ایجاد کند. سنایور درباره ضرورت ایجاد ارتباط میان سینما و ادبیات نیز گفت؛ قدرت سینما بسیار زیاد است اما باید فردی وجود داشته باشد که بتواند میان این دو حوزه ارتباط برقرار کند، برای مثال بداند که فیلم سازانی مانند تقوایی، مهرجویی و فرمان آرا با ادبیات آشنا هستند و داستان های مناسب را در اختیار آن ها قرار دهد تا ارتباط بهتری میان نویسنده، اثر ادبی و فیلم ساز شکل بگیرد.